

# وہابیت و خداشناسی

## وهابیت و خدانشناسی

وهابیت به پیروی از مبانی ابن تیمیه در روش شناسی خود ظاهر گراست از این رو در صفات خبری خداوند دچار تجسیم شده اند که در این سعی شده به برخی از اعتقادهای آنها که بر این مبنا استوار است اشاره شود.

یکی از مسایلی که ابن تیمیه بنیان گذار فکری وهابیت، به نشر آن همت گماشت اعتقاد به جسمانیت خداوند متعال و اثبات لوازم جسمانیت مانند: قرار گرفتن بر روی کرسی، خندیدن، راه رفتن و مانند این ها برای حق تعالی بود.

ابن تیمیه گفته است:

ولیس فی کتاب الله ولا سنه رسوله ولا قول أحد من سلف الأمة وأئمتها أنه ليس بجسم وأن صفاته ليست أجساما وأعراضا! فنفي المعاني الثابتة بالشرع والعقل بنفي ألفاظ لم ينف معناها شرع ولا عقل، جهل وضلال(۱)؛ در کتاب خدا و سنت رسول اکرم [صلی الله علیه و آله] و هم چنین در گفتار سلف امت (صحابه) و پیشوایان دینی نیامده که خداوند جسم نیست و صفات او از جسمانیت و عرض بودن منزّه است. انکار یک معنایی که شرع و عقل آن را نفی نکرده، یک نوع نادانی و گمراهی است.

او در ادامه می گوید:

والکلام فی وصف الله بالجسم نفيا وإثباتا بدعه، لم يقل أحد من سلف الأمة وأئمتها إن الله ليس بجسم، كما لم يقولوا إن الله جسم(۲)؛ نفی و اثبات جسمانیت خداوند متعال بدعت است و کسی از بزرگان گذشته نگفته است که خداوند جسم نیست، همان گونه که گفته نشده او جسم است.

در جای دیگر می گوید:

فإسم المشبهه ليس له ذكر بدم، فی الكتاب والسنة ولا کلام أحد من الصحابه والتابعين(۳)؛ در قرآن و روایات، مذمتی از مشبهه به میان نیامده و سخنی هم از صحابه و تابعین در این باره نقل نشده است.

### ۲. هیئت عالی افتای سعودی و جسمانیت خداوند تعالی:

هیئت عالی افتای سعودی در پاسخ به پرسش درباره جسمانیت خداوند تعالی نوشته است: ونظرا إلى أن التجسیم لم یرد فی النصوص نفیه ولا إثباته فلا يجوز للمسلم نفیه ولا إثباته؛ لأن الصفات توقیفیه(۴)؛ با توجه به این که درباره جسمانیت خداوند نفیا و اثباتا در روایات گفت و گو نشده است، بنابراین، نباید سخنی گفته شود؛ چون صفات خداوند توقیفی(۵) است.

### ۳. خدای وهابیت می خندد:

ابن تیمیه در رساله عقیده الحمویّه می نویسد: خداوند می خندد و روز قیامت در حال خنده بر بندگان خود تجلی می کند (۶).

### ۴. خدای وهابیت از عرش به زیر می آید:

ابن تیمیه می گوید: خداوند هر شب هر گونه ای که بخواهد به آسمان دنیا فرود می آید و می

گوید: آیا کسی هست که مرا بخواند تا اجابتش کنم و طالب مغفرتی هست که او را ببخشم. ..؟ خدا این کار را تا طلوع فجر انجام می دهد.

وی پس از نقل مطلب بالا می نویسد:

فمن أنکر النزول أو تأوّل فهو مبتدع ضالّ (۷)؛ هر کس فرود آمدن خدا را به آسمان دنیا انکار یا توجیه کند، بدعت گذار و گمراه است.

ابن بطوطه در سفرنامه خود می نویسد:

ابن تیمیه در مسجد جامع دمشق که من حضور داشتم، بر بالای منبر گفت: إنّ الله ينزل إلى السماء الدنيا كنزولي هذا؛ خداوند به آسمان دنیا فرود می آید، هم چنان که من از پله های این منبر فرود می آیم، سپس یک پله پایین آمد.

ابن الزهراء، از فقهای مالکی اعتراض کرد و اظهارات وی را به اطلاع ملک ناصر رساند، وی دستور داد تا او را زندانی کردند و در زندان از دنیا رفت (۸).

۵. خدای وهّابیت با چشم قابل رؤیت است:

ابن تیمیه در کتاب منهاج السنّه که ردّی بر کتاب منهاج الکرّامه علامه حلی است، می نویسد: در این که خداوند در قیامت با چشم قابل رؤیت هست، گفتار سلف و پیشوایان امت اسلامی و جمهور مسلمانان از مذاهب چهارگانه می باشد و علمای حدیث، احادیث متواتر در این زمینه از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده اند (۹).

۶. خدای وهّابیت نمی تواند همه جا باشد:

از هیئت عالی افتای سعودی پرسیده شده: از نظر شرعی حکم کسی که معتقد است که خداوند همه جا وجود دارد چیست؟ و چگونه می شود به او پاسخ داد؟ هیئت عالی پاسخ داده: عقیده اهل سنت این است که خداوند بالای عرش قرار گرفته و در درون جهان نیست؛ بلکه خارج از این عالم می باشد.

و دلیل بر علوّ خداوند و بالا بودن او از مخلوقات، همان نزول قرآن از طرف اوست و مسلّم است که نزول همواره از بالا به پایین صورت می گیرد، همان گونه که در قرآن نیز آمده است: «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ..» (۱۰)؛ ما قرآن را به سوی تو به حقّ نازل نمودیم. تا آن جا که می نویسند:

رسول گرامی [ صلی الله علیه و آله ] از کنیزی که می خواست او را آزاد نماید، پرسید: خداوند کجاست؟ پاسخ داد: در آسمان هاست. حضرت پرسید: من چه کسی هستم؟ پاسخ داد: پیامبر خدا.

آن گاه حضرت به صاحب آن کنیز فرمود: او شخص باایمانی است و می توانی وی را در راه خدا آزاد نمایی.

و هم چنین رسول اکرم [ صلی الله علیه و آله ] فرمود: من امین کسی هستم که در آسمان هاست و اخبار آسمان هر صبح و شب به اطلاع من می رسد.

آن گاه هیئت عالی افتای سعودی می نویسد:

من اعتقد أنّ الله في كلّ مكان فهو من الحلوّيه، ويردّ عليه بما تقدّم من الأدلّه على أنّ الله في جهة العلوّ، وأنّه مستو على عرشه، بائن من خلقه، فإنّ انقاد لما دلّ عليه الكتاب والسنّه والإجماع، وإلّا فهو كافر مرتدّ عن الإسلام؛ هر کس معتقد باشد که خداوند همه جا هست، قائل به حلول و دخول خداوند در درون عالم شده، باید به چنین فردی با دلیل ثابت کرد که خداوند بر بالای عرش قرار دارد و خارج از جهان می باشد و اگر نپذیرفت، او کافر و مرتدّ و خارج از اسلام است (۱۱).

## ۷. خدای وهابیت می تواند بر روی پشه قرار گیرد:

ابن تیمیه می گوید:

ولو قد شاء لاستقرّ علی ظهر بعوضه فاستقلّت به بقدرته و لطف ربوبیته فکیف علی عرش عظیم(۱۲)؛ اگر خداوند بخواهد با قدرت خویش می تواند بر پشت یک پشه ای هم قرار گیرد، پس چگونه نتواند بر روی عرش استقرار بیابد؟

## ۸. خدای وهابیت نوجوان و موفرفری است:

ابو یعلی از ابن عباس نقل کرده که پیامبر گرامی [ صلی الله علیه و آله ] فرمود: رأیت ربی عزّ وجلّ، شابّ أمرّد جعد قطط، علیه حلیه حمراء؛ خداوند را به صورت نوجوانی دیدم که هنوز موی صورتش در نیامده، سرش پرمو، پیچ پیچ (فرفری) و دارای زیور و آلات سرخ بود. ابو یعلی در کتاب دیگرش گفته:

ابوزرعہ دمشقی این روایت را صحیح شمرده. .. و احمد بن حنبل گفته: هذا حدیث رواه الکبّر عن الکبّر، عن الصحابه عن النبی [ صلی الله علیه و آله ]، فمن شک فی ذلک أو فی شیء منه فهو جهمیّ لا تقبل شهادته ولا یُسَلّم علیه، ولا یُعاد فی مرضه(۱۳)؛ این حدیث را بزرگان از صحابه روایت کرده اند و هر کس در صحت این روایت شک نماید او جهمی و شهادت او پذیرفته نیست، به او نباید سلام داد و به هنگام بیماری از وی نباید عیادت کرد.

## ۹. خدای وهابیت مبتلا به درد چشم می شود:

شهرستانی متوفای ۵۴۸، بعد از نقل خرافات مشبهه می نویسد: وزادوا فی الأخبار أكاذیب وضعوها ونسبوها إلی النبی - علیه الصلاه والسلام - وأکثرها مقتبسه من اليهود فإن التشبیه فیهم طباع حتی قالوا: اشتکت عیناه فعادته الملائکه وبکی علی طوفان نوح حتی رمدت عیناه(۱۴)؛ مشبهه احادیث دروغین ساخته و به پیامبر اکرم، علیه الصلاه والسلام، نسبت داده اند و اکثر این روایات ساختگی برگرفته از یهود می باشد، زیرا تشبیه، اساس آیین یهود است تا جایی که گفته اند: چشمان خداوند - تبارک و تعالی - به درد آمد و ملائکه به عیادت او رفتند و خداوند بر طوفان نوح که باعث نابودی انسان ها شد، به قدری گریه کرد که چشمانش به درد آمد و تار گردید.

## ۱۰. خدای وهابیت با پیامبر صلی الله علیه و آله مصافحه می کند:

بنا به نقل شهرستانی، مشبهه از پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله نقل می کنند که فرمود: لقینی ربی فصافحنی وکافحنی ووضع یدیه بین کتفی حتی وجدت برد أنامله(۱۵)؛ با خداوند ملاقات کردم و او با من مصافحه کرد و به من بوسه داد و دستش را میان شانه هایم نهاد و من سردی انگشتان خدا را احساس کردم.

## ۱۱. خدای وهابیت غیر از ریش و عورت، همه چیز دارد:

ابو بکر ابن عربی می گوید:

فردی که مورد وثوق من بود نقل کرد که ابویعلی (امام و پیشوای ابن تیمیه) می گوید: إذا ذکر الله تعالی وما ورد من هذه الطواهر فی صفاته، یقول: أَلزْمُونِی مَاشْتَمُ فِإِنِّی أَلتَزْمِی، إِلَّا أَللْحِیَهِ وَالْعَوْرَهِ(۱۶)؛ نسبت به آن چه که در صفات حق گفته می شود، از قول من نقل کنید و هر عضوی را جز ریش و عورت، ملتزم می شوم.

## ۱۲. پیامبر وهابیت در کنار خدای آنان جلوس می کند:

ابن قیم شاگرد ابن تیمیه می نویسد:

إنّ الله یجلس علی العرش، ویجلس بجنبه سیدنا محمد صلی الله علیه و آله وهذا هو المقام المحمود(۱۷)؛ خداوند بر روی عرش می نشیند و رسول اکرم [ صلی الله علیه و آله ] نیز در

کنار او جلوس می کند و این همان مقام محمود و شایسته ای است که قرآن وعده داده است.

### ۱۳. خدای وهابیت چهار انگشت بزرگ تر از عرش است:

ابن عربی در تفسیر آیه شریفه «الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى (۱۸)» می گوید: «إِنَّهُ جَالِسٌ عَلَيْهِ، مَتَّصِلٌ بِهِ، وَإِنَّهُ أَكْبَرُ بِأَرْبَعِ أَصَابِعٍ، إِذْ لَا يَصِحُّ أَنْ يَكُونَ أَصْغَرَ مِنْهُ، لِأَنَّهُ الْعَظِيمُ، وَلَا يَكُونُ مِثْلَهُ لِأَنَّهُ «لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ» (۱۹) فَهُوَ أَكْبَرُ مِنَ الْعَرْشِ بِأَرْبَعِ أَصَابِعٍ؛ خَدَاوَنَدُ بَرِ رُوي عَرْشِ مِي نَشِينَدُ وَ چَهار اَنگِشَت از عَرْشِ بزرگ تر (پهن تر) مِي باشَد؛ زِيرا خَدَاوَنَدُ عَظِيمِ اسْت وَ نَمِي شُودِ كِه با عَرْشِ يَكِ سَانِ باشَد وَ از اِين رُوي، چَهار اَنگِشَت از عَرْشِ بزرگ تر مِي باشَد (۲۰). طَبْرِي در تفسير خود در ذيل آيه شريفه «وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ (۲۱)» از عبد الله بن خليفه از رسول اکرم صلى الله عليه و آله نقل کرده که فرمود: وَإِنَّهُ لِيَقْعَدُ عَلَيْهِ فَمَا يَفْضُلُ مِنْهُ مَقْدَارَ أَرْبَعِ أَصَابِعٍ، ثُمَّ قَالَ بِأَصَابِعِهِ (۲۲)؛ خَدَاوَنَدُ بَرِ رُوي كُرْسِي مِي نَشِينَدُ وَ از هَر طَرَفِ بَه مَقْدَارِ

چهار انگشت از کرسی پهن تر می باشد، آن گاه حضرت فرمود: به مقدار چهار انگشت خداوند. دیلمی از عبد الله عمر نقل کرده که می گوید:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ مَلَأَ عَرْشَهُ يَفْضُلُ مِنْهُ كَمَا يَدُورُ الْعَرْشُ أَرْبَعَةَ أَصَابِعٍ بِأَصَابِعِ الرَّحْمَنِ عَزَّ وَجَلَّ (۲۳)؛ خَدَاوَنَدُ، عَرْشِ خُودِ رَا پُر مِي كَنَدِ بَه طُورِي كِه از هَر طَرَفِ، چَهار اَنگِشَت بَه اَندازِه اَنگِشَتِ خَدَاوَنَدِ، بِيَشْتَرِ مِي آيَدِ.

### ۱۴. کرسی در اثر سنگینی خدای وهابیت ناله می کند:

سیوطی با سندهای مختلف از عمر نقل می کند که گفت: زنی خدمت رسول اکرم [صلی الله علیه و آله] رسید و گفت: دعا کن خداوند مرا وارد بهشت سازد، رسول گرامی [صلی الله علیه و آله] خدا را به عظمت یاد کرد و فرمود: «إِنَّ كُرْسِيَّهِ وَسِعَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ، وَإِنَّ لَهُ أَطِيطًا كَأَطِيطِ الرَّحْلِ الْجَدِيدِ إِذَا رَكِبَ مِنْ ثِقَلِهِ (۲۴)؛ كُرْسِي مِي خَدَاوَنَدُ، سَراسر آسمان و زمین را فرا گرفته است و هنگامی که خداوند بر روی کرسی قرار می گیرد، در اثر سنگینی، از کرسی ناله ای همانند ناله شتر بچه خارج می شود. و هیثمی در کتاب مجمع الزوائد این روایت را صحیح دانسته است (۲۵).

### ۱۵. خدای وهابیت دوان دوان راه می رود:

از هیأت عالی افتای سعودی پرسیدند: «هل لله صفة الهرولة؟؛ آیا خداوند متصف به صفت هروله (دوان دوان رفتن) می باشد؟» پاسخ دادند:

نعم! صفة الهرولة على نحو ما جاء في الحديث القدسي الشريف علي ما يليق به قال تعالى: إِذَا تَقَرَّبَ إِلَى الْعَبْدِ شَبْرًا تَقَرَّبَتْ إِلَيْهِ ذِرَاعًا، وَإِذَا تَقَرَّبَ إِلَى ذِرَاعًا تَقَرَّبَتْ مِنْهُ بَاعًا، وَإِذَا أَتَانِي مَاشِيًا أَتَيْتُهُ هَرُولَةً؛ رواه البخاري ومسلم (۲۶)؛ آری، صفت هروله (دوان دوان رفتن) خدا در حدیث قدسی که بخاری و مسلم نقل کرده اند آمده که خداوند فرموده: اگر بنده ای یک وجب به من نزدیک شود، من یک ذراع (نیم متر) به او نزدیک خواهم شد و اگر او یک ذراع به طرف من بیاید، من به قدر فاصله انگشتان دو دست که به صورت افقی باز شود (بیش از یک متر و نیم) به او نزدیک خواهم شد، اگر او قدم زنان به طرف من بیاید، من دوان دوان به طرف او خواهم رفت.

### پی نوشت ها

(۱) التأسيس في ردّ أساس التقديس، ج ۱، ص ۱۰۱.

(۲) الفتاوى، ج ۵، ص ۱۹۲.

(۳) بيان تلبیس الجهمیة فی تأسيس بدعهم الکلامیة، ج ۱، ص ۱۰۹.

- (۴) فتاویٰ اللجنة الدائمہ للبحوث العلمیہ والإفتاء، ج ۳، ص ۲۲۷.
- (۵) یعنی فقط آن چه را که در روایات و آیات آمده، می شود به زبان آورد.
- (۶) مجموعه الرسائل الكبرى، رساله یازدهم، ص ۴۵۱.
- (۷) همان.
- (۸) رحله ابن بطوطه، ص ۱۱۲.
- (۹) «أما إثبات روييه الله تعالى بالأبصار في الآخرة فهو قول سلف الأمة وأئمتها وجماهير المسلمين من أهل المذاهب الأربعة وغيرها وقد تواترت فيه الأحاديث عن النبي [ صلى الله عليه و آله وسلم ] عند علماء الحديث،» منهاج السنه ج ۳ ص ۳۴۱.
- (۱۰) مائده (۵) آیه ۴۸.
- (۱۱) فتاویٰ اللجنة الدائمہ للبحوث العلمیہ والإفتاء، ج ۳، ص ۲۱۶ و ۲۱۸.
- (۱۲) التأسيس في ردّ أساس التقديس، ج ۱، ص ۵۶۸.
- (۱۳) طبقات الحنابلة، ج ۳، ص ۸۱، ح ۸۲ و أبو يعلى، إبطال التأييلات، ج ۱، ص ۱۴۱.
- (۱۴) ملل ونحل، ج ۱، ص ۱۵۳.
- (۱۵) الملل والنحل، ج ۱، ص ۱۰۰.
- (۱۶) العواصم من القواصم، ص ۲۱۰؛ الطبعة الحديثه، ج ۲، ص ۲۸۳ و دفع شبه التشبيه بأكف التنزيه، ص ۹۵ و ۱۳۰ (حاشيه).
- (۱۷) بدائع الفوائد، ج ۴، ص ۳۹.
- (۱۸) طه (۲۰) آیه ۵.
- (۱۹) شوری (۴۲) آیه ۱۱. «هیچ چیز همانند او نیست».
- (۲۰) العواصم من القواصم، ص ۲۰۹.
- (۲۱) بقره (۲) آیه ۲۵۵.
- (۲۲) جامع البيان، ج ۳، ص ۱۶.
- (۲۳) فردوس الأخبار، ج ۱، ص ۲۱۹.
- (۲۴) قال السيوطي: وأخرج عبد بن حميد وابن أبي عاصم في السنه والبخار وأبو يعلى وابن جرير وأبو الشيخ والطبرانی وابن مردويه والضياء المقدسی في المختاره عن عمر، «أنّ إمرأه أتت النبي [ صلى الله عليه و آله وسلم ] فقالت: أدع الله أن يدخلني الجنة، فعظمّ الرب تبارك وتعالى وقال: «إنّ كرسيه وسع السماوات والأرض، وإنّ له أطيطا كأطيط الرجل الجديد إذا ركب من ثقله». در المنثور، ج ۱، ص ۳۲۸.
- (۲۵) هيثمي می گوید: «رواه البزار ورجاله رجال الصحيح». مجمع الزوائد، ج ۱، ص ۸۳.
- و در جای دیگر می گوید: «رواه أبو يعلى في الكبير ورجاله رجال الصحيح غير عبد الله بن خليفه الهمذاني وهو ثقة». مجمع الزوائد، ج ۱۰، ص ۱۵۹.
- (۲۶) فتاویٰ اللجنة الدائمہ للبحوث والإفتاء، ج ۳، ص ۱۹۶، فتاویٰ شماره ۶۹۳۲.